

بررسی رویکرد حقوق کیفری ایران در قبال فرقه های انحرافی و عرفان های نوظهور و راهکارهای عملی مقابله با آن

علی مرادی^۱، حمزه عبداللهی پور^۲

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

نام نویسنده مسئول:

علی مرادی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹

چکیده

عرفان‌های نوظهور در یک نگاه وسیع به هرگروه معنویت‌گرا گفته می‌شود که بعد از دهه ۱۸۰۰ میلادی مبتنی بر مولفه‌های مدرنیته بالاخص اومانیسم، سکولاریسم، عقلانیت‌ابزاری و غیره، داعیه ایده جدید و آسانی در به سعادت رساندن انسان معاصر را دارند. معنویت‌های نوپدید برگرفته از مبانی نظام لیبرال دموکراسی به دنبال سکولاریزه نمودن معنویت دینی منبعت از انقلاب اسلامی است. تاکنون عرفان‌های نوظهور جرم‌انگاری نشده‌اند و خلاهای قانونی گسترده‌ای در این زمینه وجود دارد. برخوردهای قانونی که طی سال‌های اخیر در چندین مورد با سران، مبلغان و ترویج‌دهندگان عرفان‌های نوظهور صورت گرفته است، گواه این حقیقت است که ضابطان دادگستری و مرجع قضایی عزم و اراده لازم برای مقابله قانونی دارند، ولی عدم وجود قوانین صریح و شفاف و خلاهای تقنینی باعث می‌شود که این اراده، موثر واقع نشود. عدم جرم‌انگاری و وجود خلأ تقنینی، یکی از موانع و چالش‌های مقابله با فعالیت عرفان‌های نوظهور و از عوامل اصلی رشد قارچ‌گونه‌ی آن در ایران محسوب می‌شود و لازم است طرح مقابله با گروه‌های انحرافی که بیش از شش سال است در مجلس شورای اسلامی مسکوت مانده است، تصویب و اجرایی شود.

واژگان کلیدی: شبکه‌های اجتماعی، بازاریابی سیاسی.

مقدمه

در عصر حاضر از انقلاب الکترونیک هنگامی که شبکه های اجتماعی تبدیل به یک ابزار شد و به همه ارتباطات دیگر پایان داد، احزاب سیاسی نیز به شبکه های اجتماعی برای بازاریابی خودشان و اهداف تبلیغاتی به آن توجه می کنند. بازاریابی سیاسی می تواند به این صورت تعریف شود که کاربرد اصول و روش های بازاریابی در کمپین های سیاسی با افراد و سازمان های متنوع. روش هایی که در آن هستند شامل تجزیه و تحلیل، توسعه، اجرا و مدیریت استراتژیک کمپین ها به وسیله کاندیدها، احزاب سیاسی، دولت ها، لابی گرها و گروه هایی که علاقه مند به هدایت افکار عمومی هستند، می خواهند ایدئولوژی های خودشان را پیشرفت بدهند با انتخابات و تصویب قانون و رفراندوم در پاسخ به نیازها و خواست هایی که مردم و گروه ها در یک جامعه انتخاب کرده اند. (نیومن ۱۹۹۹).

فرقه سازی یکی از راه های جبهه باطل برای نفوذ در جوامع دینی به خصوص اسلامی و همچنین از راه های به انحراف کشاندن جوامع از نظر اعتقادی و فرهنگی است. فرقه های انحرافی عمدتاً در فرآیند جهانی شدن و بدون اتکا به هویت ملی کشورهای مقصد رشد یافته اند، اصالتاً ماهیت شرقی داشته که پس از ورود به غرب شکل غربی به خود گرفته و مجدداً وارد حوزه های شرقی شده اند. از این رو، ماهیت و کارکرد آنان متفاوت با شکل های اولیه است. و بعضاً باورهای دینی رسمی را نیز دچار چالش کرده اند. فرقه های انحرافی از نظر اعتقادی بر خلاف موازین و اصول شرعی اسلام است که البته این مسأله بر کسی پوشیده نیست. مهم تر از آن، مجموعه اقدامات و فعالیت های این فرقه برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی است؛ اقداماتی برای برهم زدن نظم عمومی، امنیت ملی و در مواردی مختل کردن بخشی از نظام اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی کشور. بنابراین رویکردهای مختلفی را می توان برای جرم انگاری این فرقه پیش گرفت که مسلماً تبعات و الزامات هر کدام هم متفاوت خواهد بود. جرم انگاری فرقه گرایی در دول مختلف هم به همین خاطر است و به همین دلایل است که برخی کشورها به تصویب قوانین ضد فرقه ای روی آورده اند، چرا که آن ها را در تقابل با امنیت ملی و نظم عمومی و اجتماعی خود یافته اند.

با مطالعه و بررسی قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین مرتبط، مشخص میشود که تاکنون فعالیت عرفانه های نوظهور جرم انگاری نشده است. تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۲ طرحی را تحت عنوان طرح مقابله با گروه های انحرافی تهیه که در مورخ ۹۲/۰۱/۲۱ در هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی وقت اعلام وصول شده است. در ادامه، مرکز پژوهش های مجلس نیز آن طرح را از نظر کارشناسی بررسی و ماده واحدهای را در این خصوص آماده تصویب کرده است. در این طرح، برای اشخاصی که تحت هر عنوان به شیطان پرستی، عرفانه های نوظهور یا دیگر فعالیت های انحرافی منافی شرع مقدس اسلام یا امنیت اخلاقی و اجتماعی اقدام کنند، چنانچه مشمول حد نباشد، مجازات هایی تعیین شده است. برای مقابله با عرفانه های کاذب در کشور، خلأ قانونی وجود دارد؛ برخی با شناخت این خلأها، فعالیت های غیرقانونی و تبلیغی در این حوزه دارند. گردانندگان جریان های انحرافی و مذاهب نوظهور از خلأ های قانونی موجود آگاه هستند و با سوء استفاده از آن تلاش میکنند به اهداف خود دست پیدا کنند. طبق مصوبه ۴۵۲ مورخه ۸۵/۱۱/۲۴ کمیته مقابله با جلوگیری از بروز و ظهور افراد، تشکلهای و انجمن های انحرافی با پوشش مسائل عرفانی و معنوی که در شورای فرهنگ عمومی کشور و با حضور نمایندگان سازمانها و نهادهای مرتبط فعالیت دارد، طرح کلی مقابله با بروز و ظهور و رشد جریان های انحرافی در چهار بخش راهکارهای عام، راهکارهای خاص، راهکارهای اجرایی به صورت کلی و راهکارهای اجرایی به صورت دستگاهی تنظیم و مورد تصویب اعضای شورا قرار گرفت و طی نامه ی ۱۶۵/الف مورخه ۱۳۸۶/۲/۵، به دستگاهها و ۲۲۰۸/الف مورخه ۸۶/۱۱/۱۰، برای اجرا به استانها ابلاغ شد که در بخش مقابله، در بند ۲ قسمت علل و عوامل رشد تشکلهای و انجمن های انحرافی، خلا قانونی و مشخص نبودن حد و مرز فعالیت این گروه ها و در بند ۳ همین بخش، عدم انسجام و هماهنگی برای برخورد کارشناسانه و قانونی با این تشکلهای، به عنوان علل و عوامل رشد عرفانه های نوظهور آورده شده است و در بخش وظایف هر کدام سازمان های مرتبط، در قسمت وظایف قوه قضائیه در بند ۱-۱، رفع خلأ های قانونی و اصلاح آنها به منظور فراهم شدن امکان برخورد مناسب با جریانها و اشخاص مورد نظر به عنوان وظیفه قوه قضائیه آمده است.

در سال ۱۳۹۸ دو ماده به عنوان ماده (۶۹۹) و (۵۰۰) مکرر به فصل اول باب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ افزوده شد که بر اساس ماده یک؛ هر فرد یا گروهی با رفتار افراطی و یا تکفیری دینی، مذهبی، قومی یا نژادی یا اقداماتی که مبین تشکیل فرقه بوده موجب تنفر یا خشونت در میان پیروان ادیان الهی یا مذاهب اسلامی شناخته شده در قانون اساسی یا

اقوام شود چنانچه رفتار وی مشمول مجازات حد نباشد، به حبس یا جزای نقدی درجه چهار یا هر دو مجازات محکوم می‌شود. ماده یک طرح دارای ۷ تبصره است که طبق این تبصره‌ها؛ سردستگی فرقه یا هر گروه مجرمانه سازمان یافته دیگر برای ارتکاب جرائم موضوع این ماده موجب محکومیت مطابق ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی می‌شود، ارتکاب سایر رفتارهای مجرمانه در راستای اهداف و برنامه‌های فرقه یا هر گروه مجرمانه سازمان یافته دیگر به وسیله رهبران و یا اعضاء، موجب محکومیت به حداکثر مجازات مقرر در قانون برای همان جرم است، تأمین مالی و یا هر نوع حمایت مادی دیگر از فرقه یا هر گروه مجرمانه سازمان یافته دیگر موضوع این ماده با آگاهی از ماهیت آنها موجب محکومیت اشخاص حقیقی به حبس درجه پنج و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش حمایت‌ها و محکومیت اشخاص حقوقی مطابق بند «الف» ماده (۲۰) و ماده (۲۱) قانون مجازات اسلامی می‌شود و ارتباط فرقه یا هر گروه مجرمانه سازمان یافته دیگر موضوع این ماده با مرکزیت خود در خارج از کشور برای دریافت حمایت یا هدایت‌های تشکیلاتی چنانچه مشمول حد نباشد موجب محکومیت به حداکثر مجازات مقرر در هر مورد می‌شود. مجازات‌های مقرر در این ماده و تبصره‌های آن قابل تعلیق، آزادی مشروط، مرور زمان و نظایر آن نمی‌باشد، تمامی اموال فرقه یا هر گروه مجرمانه سازمان یافته دیگر موضوع این ماده و همچنین تمامی اموال سردستانان و اشخاص تأمین کننده مالی آن به نفع دولت جمهوری اسلامی ایران مصادره می‌شود و به منظور تشخیص و تعیین مصادیق فرقه‌ها و گروه‌ها و جریانات انحرافی و تکفیری و افعال مجرمانه موضوع این ماده قاضی نظر کارشناسی وزارت اطلاعات را به عنوان مسؤول مبارزه با گروه‌ها و فرقه‌های انحرافی، تکفیری و ضاله و حسب مورد نظر مدیریت حوزه علمیه قم را اخذ خواهد کرد.

مفهوم عرفان‌های نوظهور

همان‌طور که از اصطلاح عرفان‌های نوظهور مشخص می‌شود، عرفان‌های تازه تأسیسی هستند که هیچ‌گونه اصالت و صبغی دینی ندارند و محصول تفکرات واهی و کاذب‌اند، به همین دلیل عرفان‌های کاذب خوانده می‌شوند. به عبارتی اینها در واقعیت عرفان نیستند؛ بلکه سراسر جهل و نادانی‌اند. بشر امروزی با تجربه تفکرات مادی به پوچی رسیده و برای فرار از این بن‌بست به زعم خود به سوی معنویت پناه آورده و به عبارتی از چاله به چاه افتاده است. جنبش‌های نوپدید دینی که اغلب از جنگ جهانی دوم به بعد ظهور کردند در اواخر دهه هفتاد در جوامع غربی برجسته شدند. این جنبش‌ها را نمی‌توان تحت یک قانون واحد و کلی درآورد؛ برخی به دلایل مختلف موفق و برخی شکست خورده و ناکام ماندند آنچه در تعریف این جنبش‌ها پرننگ جلوه داده می‌شود، پافشاری بر سه واژه «جنبش»، «نوپدید» و «دینی» است. شکل‌گیری این عرفان‌ها، معلول علت‌های متنوع و متکثری است که در حوزه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی قابلیت تبیین پیدا می‌کند. حاکمیت وجوه متکثر و ابعاد متعدد در عرفان‌ها، هم بر پیچیدگی آن در تبیین مسئله و پدیده‌شناسی می‌افزاید و هم راهکارهای برخورد با این پدیده را با موانع جدی روبه‌رو می‌کند. کم نیستند تعداد فرقه‌هایی که با هدف کلاهبرداری و کسب درآمد شکل گرفته‌اند، اما تداوم حیات و توسعه این فرقه‌ها در گرو مجموعه متنوع و متکثری از مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بوده است.

به طور کلی، عرفان‌های نوظهور یک باور دینی یا جنبش اخلاقی معنوی یا فلسفی محسوب می‌شود که به بدنه دینی حاکم در جامعه تعلق ندارد عرفان‌های نوظهور ماهیت فرقه‌ای بوده و دارد. عرفان نوظهور جدید و نوین است و خارج از جریان حاکم و مسلط بوده و طرفدارانش را از فرهنگ میزبان جلب می‌کند (ریاحی، ۱۳۹۲: ۴۲).

یا به عبارتی دیگر مجموعه جنبش‌های معنوی مدعی ارمغان آرامش و شادی درونی و رستگاری برای بشر هستند و عموماً با عرفان‌های دینی و سنتی تفاوت‌های اساسی دارند و در مواردی در تقابل قرار می‌گیرند. از این رو این مرام‌های نوپدید از دیدگاه سنتی بعضی ادیان از جمله اسلام، غیرقابل پذیرش و کاذب خوانده می‌شوند. بعضی عرفان‌های سنتی و قدیمی که در یک منطقه به تازگی وارد می‌شوند نیز نسبت به آنجا نوپدید تلقی می‌شوند. مهمترین تفاوت عرفان‌های نوپدید با عرفان‌های دینی در غایت آن هاست چراکه غایت در عرفان‌های نوظهور لزوماً خدا نیست بلکه کسب آرامش برای انسان است. هرچند ممکن است خدا به عنوان یک عامل مهم مطرح باشد در حالی که هدف عرفان دینی به خصوص اسلامی خدامحوری است (هدف فنا فی الله است) نه انسان محوری (رهنمایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۷).

همچنین گفته می‌شود که عرفان، شناخت قلبی است که از طریق کشف و شهود، نه بحث و استدلال، حاصل می‌شود و آن را علم وجدانی هم می‌خوانند. کسی را که واجد مقام عرفان است، عارف گویند. عرفان در بسیاری از اقوام و ملل و مذاهب مختلف جهان و حتی مکاتب فلسفی، رایج است.

مفهوم فرقه‌های انحرافی

فرقه، از ریشه فرق به معنی جدایی بین دو چیز و دو گروه از مردم آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۵: ۱۴۸) (ابن منظور، ۱۹۹۷، ۱۰۱: ۳۰۰). طریحی در اشاره به قول خداوند که می‌فرماید: «فریق منهم» (۷۵/۲) به معنای گروهی از آنان فرقه را معنی می‌کند. در دیدگاه ایشان فرقه از تفرق مفهوم گرفته شده که به معنی از راه خدا دور کردن می‌باشد ریشه‌ی این مفهوم به این آیه از قرآن بر می‌گردد: «فأفرق بیننا و بین القوم الفاسقین» (۲۵/۵) «از راه‌های متفرقه پیروی نکنید که شما را از راه او پراکنده می‌سازد» (۱۵۳/۶) (طریحی، ۱۴۰۸، ۳: ۳۹۳)

در اصطلاح، واژه‌ی فرقه به گروهی دلالت دارد که از پیشوایی مشترک تبعیت میکنند و معمولاً دارای گرایش به مخالفت با نظام حاکم دینی و پیگیری اهداف مریدانه خود هستند و در واقع بیانگریک گروه است که حول یک شخص شکل می‌گیرد که وی مدعی است دارای مأموریت و دانش ویژه ای است و این دانش را با کسانی که تقریباً قدرت تصمیم‌گیری فردی خود را در اختیار رهبر انتسابی خود قراردهند، شریک خواهد به عبارت دیگر به فردی که در روابط آگاهانه افراد دیگر را وادار میکند تا به طور کامل و یا نزدیک به آن در خصوص همه تصمیمات مهم زندگی اش وابسته به او باشد، گفته میشود. به پیروان رهبر انتسابی چنین الفاء میشود که او دارای استعداد و نبوغ ویژه ای است. (تالرسینگر، ۱۳۸۶، ۱۹)

عرفان‌های نوظهور در حقوق کیفری ایران

فعالیت عرفانهای نوظهور تاکنون جرم‌انگاری نشده است و خلا قانونی گسترده ای در این زمینه وجود دارد اما با این حال مشاهده میشود ضابطان دادگستری و مراجع قضایی به ناچار با توسل به برخی از مواد عمومی و مرتبط با بخشی از فعالیتهای عرفانهای نوظهور اقدامات مقابله ای انجام میدهند که به دلیل عدم پشتوانه قانونی و دلایلی که در ادامه مطرح خواهد شد به نتیجه مطلوبی نمی‌رسند. در زیر به برخی از این مواد قانونی اشاره میشود.

ماده ۵۱۳ ق.م.ا با موضوع توهین به مقدسات یکی از مهمترین مواد قانونی که در شرایط کنونی مراجع قضایی و ضابطان دادگستری با توسل به، آن اقدامات مقابله ای با فعالیت عرفانهای نوظهور انجام میدهند همین ماده است. قانون گذار براساس ماده ۵۱۳ ق.م.ا به طور کلی اهانت به مقدسات دین اسلام را جرم‌انگاری و مستلزم برخورد قانونی دانسته است اما با ملاحظه ماهیت عرفانهای نوظهور، اهداف، آسیبها، پیامدها و نوع فعالیت آنها در جامعه به وضوح مشخص میشود که مسئله پیچیده تر از آن است که طبق ماده فوق بتوان با این گونه عرفانهای نوظهور انحرافی و کاذب که به طور سازمان یافته فعالیت میکنند، مقابله قانونی کرد. در ادوار اخیر تضعیف مبانی اعتقادی و دامن زدن به مسائل غریزی و شهوانی از سوی عده ای فرصت طلب زمینه ساز گرایش طیف وسیعی از افراد به ویژه دختران و پسران جوان به فرق نوظهور شده است. این در حالی است که ضابطان دادگستری و به خصوص نهادهای قضایی جز با تمسک به عموم مواد قوانین جزایی از جمله قانون مجازات اسلامی - به اعتبار جرائم مخل نظم عمومی جرائم علیه عفت عمومی و سایر عناوین متشابه، قادر به برخورد قاطع با متخلفان در حوزه مسائل اعتقادی و ارزشی نبوده اند. در ضمن چه بسیار فرقه‌هایی که بدون تعریض یا تعرض علیه مسلمات و مقدسات دینی تنها به تبلیغ و ترویج اندیشه‌های ارزشی خود پردازند و لذا رفتار ارتكابی آنها قابلیت انطباق بر عنوان مجرمانه ای همچون «توهین به مقدسات اسلام» (موضوع ماده ۵۱۳ ق.م.ا) هم نباشد. در اینجاست که مشکل بیش از پیش نمود می‌یابد (موسوی مجاب، ۱۳۹۲)

یکی از آسیبهای عرفانهای نوظهور در جامعه این است که با شعار عرفان و معنویت، دین ستیزی و مقابله با آموزه‌های اصیل دین و شریعت را رواج میدهند. در عرفانهای نوظهور مردم به معنویت دعوت میشوند اما راه معنویت را از دیانت و دینداری جدا می‌کنند. بنابراین برخی از عرفانهای نوظهور با فعالیتهای سازمان یافته خود بدون تعرض علیه مقدسات و آموزه‌های اصیل دینی تنها به تبلیغ یا ترویج اندیشه‌های خود می‌پردازند و رفتار ارتكابی آنها قابلیت انطباق با عنوان مجرمانه ای همچون توهین به

مقدسات اسلام را هم ندارد همان گونه که در یکی از بررسی آراء قضایی در بخش قبلی دادگاه در خصوص متهم عرفان حلقه به صراحت اشاره کرده است که «صرف عضویت در گروهی خاص دلالت بر توهین به مقدسات اسلام ندارد» بنابراین هر چند ضابطان دادگستری و مراجع قضایی در اثر خلا قانونی با توسل به موضوع ماده ۵۱۳ ق.م.ا اقدامات مقابله ای را انجام میدهند ولی این ماده برای مقابله قانونی با عرفانهای نوظهور کفایت لازم را ندارد.

- ماده ۲۸۶ ق.م.ا با موضوع افساد فی الارض یکی از مهمترین شرایط تحقق جرم افساد فی الارض، گستردگی اقدامات مرتکب و وسعت نتایج زیانبار آن است. لذا صرف نظر از سایر شرایط مشخص میشود که با توسل به این، ماده عرفانهای نوظهوری که تازه ایجاد شده و در حال فعالیت در مقیاسی کوچکتر میباشند یا هنوز خسارت و نتایج مضر آنها گسترده و فراگیر نشده است نمیتوان تحت تعقیب قضایی قرار داد و باید منتظر ماند تا خسارات و جنایات یا اشاعه فساد و فحشا و غیره به حد گسترده برسد که منطقی، اصولی و اخلاقی نیست. بنابراین، این ماده ظرفیت قانونی کافی و مؤثر برای یک اقدام به موقع و پیشگیرانه برای مقابله با عرفانها و فرقه‌های نوظهور را ندارد. همچنین در این ماده اشاره شده است که اقدامات مرتکب باید موجب اختلال شدید در نظم عمومی و ناامنی و ورود خسارات عمده و غیره باشد لذا با این اوصاف ممکن است فعالیت یک یا چند عرفان یا فرقه نوظهور که در پوشش دین و مذهب در حال فعالیت است فراگیر و گسترده بشود ولی به ظاهر نتایج زیانبار مشروط در همین ماده به فعلیت نرسیده باشد و مدت‌های طولانی نیز فعالیت آنها ادامه داشته باشد و به دلیل همین تقیید در چنین وضعیتی به نظر میرسد توسل به ماده مذکور برای مقابله با عرفانهای نوظهور مؤثر و کارساز نباشد.

چنانکه در بخش قبلی نیز اشاره شد در خصوص پرونده قضایی مؤسس عرفان حلقه در مرتبه نخست شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب سرکرده گروه موسوم به عرفان حلقه را مفسد فی الارض شناخت و به اعدام محکوم کرد که این حکم در مراحل بعدی در دیوان نقض و در نهایت در سال ۱۳۹۶ نقض و به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد. بنابراین، شایسته بود که قانون گذار فعالیت عرفانهای نوظهور را به طور اختصاصی جرم انگاری میکرد تا با هرگونه تشکیل و فعالیت عرفانهای نوظهور در جامعه و در هر مرحله ای از فعالیت که قرار داشت، توسط ضابطان دادگستری کشف و تعقیب قانونی انجام و در ادامه رسیدگی و تحقیقات، هرگاه فعالیت این گونه عرفانها به حدی فراگیر و گسترده و با شرایط قید شده در ماده ۲۸۶ ق.م.ا منطبق، بود از طریق همین ماده به اتهام افساد فی الارض، مورد رسیدگی قرار میگرفت.

ارکان تشکیل دهنده جرم انگاری عرفانهای نوظهور

رکن مادی

رکن مادی جرم عبارت است از یک اقدام خلاف قوانین کیفری که تجلی خارجی فکر خطاکارانه مجرم می‌باشد، تردیدی وجود ندارد که صرف انجام عمل مجرمانه یا برخورداری از نیت مجرمانه را نمیتوان در عالم خارج ظهور نکرده است، جرم تلقی نمی‌شود و قابل مجازات نخواهد بود.

رکن معنوی

برای تحقق عنصر روانی وجود دو عامل اراده ارتکاب و قصد مجرمانه (سوءنیت) لازم است. برای تحقق بزه افساد فی الارض، مرتکب باید علاوه بر سوءنیت، اراده ارتکاب آنها هم داشته باشد. بنابراین لازم است که شخص مفسد دارای شرائط عامه تکلیف باشد و در صورت فقدان مسئولیت کیفری از قبیل کودکی، اکراه، جنون، اجبار، جهل و اشتباه، جرم افساد محقق نخواهد شد. بعنوان مثال، در امر قاچاق مواد مخدر مرتکب باید به قصد انحراف و آلوده نمودن عده‌ای از افراد ولو ناشناس و با اراده ارتکاب، اقدام به عمل مجرمانه نماید و انگیزه‌های دیگر از قبیل کسب ثروت و امثال آن تأثیری در نوع و کیفیت بزه ندارد و در مصادیق دیگر افساد فی الارض نیز به همین نحو است.

رکن قانونی

عنصر قانونی در واقع پرتوی از اصل قانونی بودن جرم و مجازات و زیربنای عناصر مادی و روانی است. به عبارت دیگر عنصر قانونی هم عرض عناصر مادی و روانی نیست تا در کنار آنها و همسنگ با آنها مورد بحث قرار گیرد، بلکه هم عنصر مادی و هم عنصر روانی مبتنی بر قانون هستند، یعنی بنا به تصریح قانون است که ما می‌توانیم رفتار یا حالت خاصی را به عنوان عنصر مادی یا روانی جرم بشناسیم. پس رابطه بین عنصر قانونی و دو عنصر مادی و روانی موضوعیت ندارد (صادقی، ۱۳۸۵: ۵۲-۵۳).

قانون افساد فی الارض ماده ۲۸۶ ق.م.مصوب ۹۲ هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی

کشور، نشر اکاذیب، اخلاص در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلاص شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

مصادیق پرونده‌های این ماده:

- حکم افساد فی الارض برای ۱۵ نفر در پرونده شهادت یک بسیجی بنام سید روح الله عجمیان در اغتشاشات ۱۴۰۱ کرج، که ۵ متهم به اعدام محکوم شدند.

- حکم اعدام "روح الله زم" در سال ۱۳۹۹ سرشبکه سایت وابسته و ضدانقلاب "آمدنیوز" در قالب فعالیت ظاهری رسانه‌ای، با سرویس‌های جاسوسی دولت‌های غربی، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی همکاری و ارتباط داشت و برای ایجاد اغتشاش و ناامنی در کشور برنامه‌ریزی می‌کرد.

- حکم اعدام رهبرانکار (کریم زرگر و همسرش مرجان داوری) مورخ ۲۲/۲۱ آذر ۹۵ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب که حکم اعدام همسر وی پس از ارجاع به دیوان عالی کشور نقض و پرونده برای دادرسی به شعبه هم‌عرض دادگاه انقلاب تهران ارجاع شد و از سال ۹۸ به ۷۵ سال زندان محکوم شد.

رکن قانونی ماده ۴۹۸ ق.م.ا هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود.

محکوم شدن جمهوری اسلامی ایران به اعمال محدودیت‌های حقوق بشری برای فرقی ضاله به بهانه آزادی و نقض حقوق بشر می‌تواند خسارات متعددی را علیه منافع ملی به همراه آورد؛ همچنین انجام امور خراب کارانه و جاسوسی توسط شیطان پرستان ایران برای سازمان‌های جاسوسی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی و مواردی که در عرفان حلقه، شیطان پرستی و رام الله و راثیلیان ذکر شد می‌تواند مصداق این ماده باشد. ماده ۵۰۰ (مکرر) الحاق به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۹)

هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

افزایش جرایم سازمان یافته و بانندی و جذب گروه‌های ضد انقلاب نظیر منافقین و... در محافل شیطان پرستان، مصداق ماده می‌تواند باشد.

الحاقی ۱۳۹۹/۱۰/۲۴- هر کس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القانات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌گردد. مجازات سردستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ تعیین می‌شود:

۱- هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوء استفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب رسانی به قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرایمی از قبیل اعمال منافی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان گردان، خود آزاری یا دیگرزنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد.

۲ - هر گونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار (علیهم السلام). تبصره ۱ - تامین مالی و یا هر نوع حمایت مادی دیگر از گروه‌های موضوع این ماده با آگاهی از ماهیت آنها موجب محکومیت به حبس درجه پنج و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش کمک‌های مالی و حمایت‌های مادی آرایه شده می‌باشد. چنانچه مرتکب شخص حقوقی باشد به انحلال و پرداخت جزای نقدی مذکور محکوم می‌گردد.

تبصره ۲ - ارتباط گروه‌های موضوع این ماده با خارج از کشور برای دریافت حمایت یا هدایت‌های تشکیلاتی موجب تشدید مجازات مقرر به میزان یک درجه می‌گردد.

تبصره ۳ - اموال سردسته‌ها و اشخاص تامین کننده مالی گروه‌های موضوع این ماده که ناشی از جرم بوده یا برای ارتکاب جرم استفاده یا به این منظور تهیه شده باشد و اموال متعلق به گروه‌های مزبور به نفع بیت المال صادره می‌گردد.

در صورتی که مشخص شود اموال متعلق به دیگری بوده یا دیگری نسبت به آن صاحب حق باشد و آن اموال به منظور انجام افعال مجرمانه در اختیار اشخاص و گروه‌های مذکور قرار نگرفته باشد، اموال مزبور به مالک یا صاحب حق مسترد و مرتکب معادل ارزش آن به جزای نقدی محکوم می‌شود و یا چنانچه مشخص شود مجرم نسبت به دیگری دین حال دارد و اموال استفاده شده در ارتکاب جرم یا تهیه شده به منظور ارتکاب جرم، متعلق به خود او است و ناشی از جرم نیست، اموال وی معادل ارزش دین حال به طلبکار یا طلبکاران مسترد و مجرم معادل ارزش اموال مسترد شده به جزای نقدی محکوم می‌شود. تبصره ۴ - امور آموزشی و پژوهشی و سایر اقدامات مشابه به منظور رد و طرد و پاسخگویی به شبهات و نقد عقاید گروه‌های موضوع این ماده از شمول حکم این ماده و ماده (۴۹۹ مکرر) این قانون خارج است.

بررسی چند نمونه از آراء محاکم قضایی در خصوص متهمان پرونده‌های عرفان‌های نوظهور

- فردی به هویت «م.ط» مؤسس عرفان حلقه (شعور کیهانی) که یکی از عرفانهای بومی بود، در سال ۱۳۸۵ توسط ضابطان دادگستری دستگیر و تحویل مرجع قضایی می‌شود و به علت عدم جرم انگاری عرفانهای نوظهور رها شده و در سال ۱۳۸۹ مجدداً دستگیر و به اتهام افساد فی الارض تحت تعقیب قضایی قرار می‌گیرد. در مرتبه نخست شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب، سرکرده گروه موسوم به عرفان حلقه را مفسد فی الارض شناخت و به اعدام محکوم کرد که این حکم در دیوان عالی کشور نقض و به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به عنوان شعبه هم عرض ارجاع شد که این شعبه نیز وی را به اعدام محکوم کرد اما دیوان عالی کشور، بار دیگر حکم صادره را نقض کرد تا پرونده مجدداً در دادگاه هم عرض بررسی شود نهایت امر اینکه حکم اعدام وی در سال ۱۳۹۶ نقض و به اتهام هایی غیر از عرفان نوظهور مانند توهین به مقدسات دخالت در امور پزشکی، تهیه و تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری غیر مجاز با فعالیتهای غیرقانونی در این زمینه، ارتکاب به فعل حرام (گرفتن دست زنان نامحرم تا به عنوان درمان بتواند به قول خودش ویروس غیرارگانیک از بدن آنها خارج کند) تحصیل مال نامشروع و کلاهبرداری و استفاده غیر مجاز از عناوین، علمی به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد.

در سال ۱۳۹۴، فردی به هویت «ب.ب» به همراه تعداد سه نفر از دوستان خود در شهر ارومیه که از اعضای فعال عرفان حلقه ها (عرفان انحرافی شعور کیهانی) بودند و در این زمینه فعالیت تبلیغی و برگزاری کلاس، داشتند توسط ضابطان دادگستری با هماهنگی‌های قضایی حین کلاس تبلیغی عرفان حلقه به همراه مستندات کافی دستگیر و جهت سیر مراحل قضایی به دادسرای عمومی و انقلاب ارومیه معرفی شدند و در آن مرجع قضایی به اتهام اهانت به مقدسات اسلامی از طریق عضویت در حلقه انحرافی شعور کیهانی، پرونده قضایی تشکیل و قرار تأمین مناسب صادر و پس از سیر مراحل قانونی و ختم تحقیقات، در نهایت پرونده با صدور کیفرخواست برای صدور رأی نهایی، به شعبه ۱۱۰ دادگاه کیفری ۲ مجتمع شهید بهشتی ارومیه تقدیم شد که بخشی از دادنامه نهایی به این شرح است در خصوص کیفرخواست صادره علیه متهم فوق، دایر بر اهانت به مقدسات اسلام از طریق عضویت در گروه حلقه شعور کیهانی دادگاه با عنایت به اوراق و محتویات پرونده، نظر به اینکه صرف عضویت در گروهی خاص دلالت بر توهین به مقدسات اسلام ندارد و از طرفی برابر محتویات پرونده و دفاعیات متهم از زمانی که اقدامات این گروه در کشور

غیرمجاز شناخته شد از عضویت آن خارج شده و اصل نیز بر براءت است، بنابراین دادگاه مستند به ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ و ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی، ۹۲ ضمن رد کیفرخواست در این قسمت، حکم براءت نامبرده را صادر کرد و ...» در آبان ماه سال ۱۳۹۴، پس از اطلاع از اینکه فردی به هویت م.ج در شهر تبریز ضمن عضویت در گروه‌های شیطان پرستی فعالیت‌های تبلیغی در خصوص شیطان پرستی هم در فضای مجازی و هم در فضای حقیقی میکند و جمع آوری مستندات توسط ضابطان دادگستری با هماهنگیهای قضایی وی دستگیر و جهت سیر مراحل قانونی به یکی از مراجع قضایی شهر تبریز معرفی میشود و پس از انجام تحقیقات و اعترافات متهم، مشخص میشود که عمده فعالیت وی در شهر کرمانشاه بوده است و قرار عدم صلاحیت به شایستگی مراجع قضایی کرمانشاه صادر و پرونده به دادرسی عمومی و انقلاب کرمانشاه ارجاع میشود و دادرسی عمومی و انقلاب کرمانشاه نیز پس از تحقیقات، پرونده را با صدور کیفرخواست با عناوین اتهامی توهین به مقدسات، عضویت در گروه‌های شیطان پرستی و ترویج فرهنگ آنها جهت صدور رأی نهایی به شعبه ۱۱۲ دادگاه کیفری ۲ کرمانشاه (۱۱۲ جزایی سابق) ارجاع میدهد که بخشی از دادنامه به شرح زیر است: «... دادگاه با لحاظ عدم وقوع بزه‌ی با جامع ارکان و عناصر متشکله قانونی آن و مستند به ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری و اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۱۲۰ از قانون مجازات، اسلامی رأی بر براءت متهم موصوف صادر می‌کند و ...»

- دو نفر از عناصر مربی (مستر) عرفان حلقه (شعور کیهانی) در شهر مشهد مقدس با برگزاری کلاسهای عرفان حلقه اقدام به تبلیغ عرفان انحرافی مذکور میکردند که توسط ضابطان دادگستری با هماهنگی قضایی دستگیر و پرونده برای رسیدگی به مرجع قضایی ارجاع میشود و در شعبه ۱۳۳ کیفری ۲، مشهد، منجر به صدور رأی می‌شود که بر اساس دادنامه صادره از شعبه مذکور به تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۶، متهمان بنامان «م.ص» و «س.ه» به اتهام توهین به مقدسات دین و شرع (عرفان کیهانی) و تحصیل مال نامشروع نظر به محتویات پرونده و اعمال انجامی متهمان اقدام آنها را اباحه گری و فساد و وهن به اعتقادات و طریق فراماسونری در ایران تلقی و بزه انتسابی را محرز و به استناد ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و مواد ۵۱۳ و ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۷۵ و ۹۲ هر یک از حیث تحصیل مال نامشروع به پنج سال حبس تعزیری و از حیث توهین به مقدسات دینی به دو سال حبس تعزیری محکوم شدند که در نهایت دادگاه تجدید نظر به لحاظ وضع خاص و جلوگیری از تزلزل در افکار انحرافی محکومیت‌های حبس مقرر در حق هر یک را جهت بازدارندگی به مدت پنج سال تعلیق کرده است.

راهکارهای مقابله با فعالیت عرفان‌های نوظهور

۱- مداخله کیفری

واژه ی مداخله در ارتباط نزدیکی با واژه‌ی "محافظت" قرار دارد تا هدف از مداخله را محافظت از آنچه در آن مداخله می‌شود، بیان کند آنچه بار منفی به این واژه می‌بخشد، مفهوم آزادی فردی است که هر رفتاری در راستای محدود کردن آن نیازمند دلیل می‌باشد. بر اساس نگرش حاکمیت به قدرت تجسم یافته در حقوق کیفری و وضعیت و مفهوم شهروندی در یک جامعه، مداخله‌ی کیفری گاه یک حق و گاه عملی غیراخلاقی و خلاف قاعده دانسته می‌شود. گاه یک قانون و گاه استثنایی است که جز در شرایط خاص مجاز نیست. مداخله، نقض حق آزادی فردی می‌باشد. از این مقدمه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که یک "مداخله"، ناقض یک "قاعده" است و نیاز به "توجیه" دارد (جانکی و روستایی ۱۳۹۲: ۳۶-۳۷).

سابقه‌ی به کارگیری واژه ی مداخله برای عملکرد دولت در جهت تنظیم رفتارهای فردی، به نیمه ی قرن نوزدهم و شروع بحث‌های انتقادی علیه دخالت دولت در رفتار شهروندان به رساله‌ای در باب آزادی جان استوارت میل می‌رسد وی با طرح آزادی فردی به عنوان معیار خوشبختی و سعادت انسان، حق مداخله دولت در رفتارهای فردی را به ایراد ضرر نامشروع به دیگری محدود کرد. پس از آن به دلیل جامعیت در معنا و قلمرو، علاقه‌ی فراوانی به استفاده از این اصطلاح مشاهده شد به گونه‌ای که امروزه جای اصطلاحات پیشین در توصیف رفتار نظام عدالت کیفری را گرفته است. در یک تعریف کلی، مداخله‌ی کیفری به جرم انگاری، وضع ضمانت اجرای کیفری و اعمال آن توسط دستگاه قضایی، نهادهای شبه قضایی و دیگر نهادها تعریف شده می‌باشد.

الف: کارکردار عابی نقش سرکوبگر حقوق کیفری، از جمله نقش‌های غیر قابل انکار و اجتناب ناپذیر آن است. یک توضیح سنتی‌تر در مورد وظیفه حقوق کیفری این است که تهدید به کیفر به خاطر نقض قانون، جنبه اربابی دارد. در اینجا تهدید به کیفر، در یک

سطح آگاهانه مردم را به خود داری از ارتکاب جرم وا می‌دارد. از این منظر، مجازات در این جهت اعمال می‌شود که مجرم در آینده مجدداً مرتکب جرم نشود و مجازات برای او درس عبرت باشد. بازدارندگی خاص و نیز سایر افراد جامعه که قابلیت ارتکاب جرم را دارند از اعمال کیفر بر مجرم درس عبرت گیرند و گرد جرم نگردند. بازدارندگی عام زیرا کیفر می‌ترساند و این خصیصه ذاتی آن است. و اما کارکرد اربابی کیفرها در زمینه پیشگیری از ارتکاب خاص و عام رفتارهای جرم انگاری شده در حوزه انحرافات فردی و اجتماعی و برخی ناهنجاریهای اجتماعی بنا به دلایل زیر قابل تحقق نیست:

۱- (نظریه ارباب فرض را بر حسابگری و عقلانیت در فرایند ارتکاب جرم قرار داده است، در صورتی که در مورد بسیاری از مرتکبان این گونه از رفتارها نظیر حسابگری وجود ندارد یا اگر هم وجود داشته باشد، به دلیل تأثیر سایر عوامل بر روی مجرم در ارتکاب جرم آن را خنثی می‌سازد.

۲- بین تأثیر اربابی کیفرها و مشروعیت مداخله کیفری رابطه مستقیمی وجود دارد. در واقع به منظور تحقق هدف مذکور، مرتکبان بالفعل و بالقوه اعمال جرم انگاری شده باید آن را نامشروع تلقی نمایند و تحمل کیفر در این زمینه با مقبولیت عمومی همراه باشد. به عنوان مثال وقتی که در جامعه ایران در مورد تکدی با نوعی احساس ترحم و دیدگاه‌های دین باورانه در مورد دستگیری از نیازمندان مواجه هستیم، آیا جرم انگاری آن بر اساس ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی، اثر بازدارنده خاص یا عام را خواهد داشت؟!

۳- شاید واقع‌گرایانه‌ترین نظر آن باشد که در سال ۱۹۸۵، والکر یکی از کیفر شناسان بنام انگلستان بیان کرده است: «برخی از اشخاص را می‌توان در برخی از مواقع از ارتکاب بعضی از اعمال، با این احتمال که به شکلی مجازات قرار خواهند شد، ترسانید (کوشا، ۱۳۸۰: ۸-۹).

ب: نقش آموزشی و توصیفی یکی دیگر از کارکردهای عمده حقوق کیفری را کارکرد آموزشی و توصیفی آن بر شمرده‌اند. در چارچوب این نقش، حقوق کیفری هر کشور با جرم انگاری برخی اعمال و بالتبع ممنوعیت آنها، در واقع به ارزش گذاری در جامعه دست می‌زند. به عبارت دیگر، هر چند اعمالی که نظم عمومی را بر هم می‌زند، در حقوق کیفری باید با مجازات و پاسخ روبرو شود، در عین حال حقوق کیفری باید بیانگر ارزش‌های مختلف جامعه نیز باشد. این تقبیح اعمال مجرمانه بخشی از روند لازم برای ایجاد خودداری‌های آگاهانه و ناآگاهانه در ارتکاب جرم است. از این طریق حقوق کیفری می‌تواند در تحکیم قواعد اخلاقی عمومی مؤثر باشد. هر زمان که شخصی برای ارتکاب جرمی، مثل سرقت مجازات می‌شود، اعتقاد زیربنایی ما مبنی بر نادرست بودن سرقت تقویت می‌گردد (کلارکسون، ۱۳۷۱).

ج: ایجاد همبستگی و هم‌نوآوری گروهی به نظر امیل دورکیم «قواعدی که مجازات ضامن آنهاست، مبین اساسی‌ترین مشابهت‌های اجتماعی‌اند.

از این رو مشاهده می‌شود حقوق کیفری نشانه یک نوع همبستگی است و دست کم جنبه‌های حیاتی آن را ابراز می‌دارد. در واقع، افعالی که حقوق کیفری منع و به صفت جرم متصف می‌کند، بر دو نوع اند: یا این افعال مستقیماً ناهمانندی بسیار بارزی علیه عامل مرتکب و نوع جمعی را گواهی می‌دهند یا به سازمان وجدان جمعی تعرض می‌کنند. در هر دو مورد نیرویی که از جرم صدمه می‌بیند و آن را وا پس می‌راند یکی است. این نیرو، نتیجه اساسی‌ترین تشابه‌های اجتماعی است و اثرش این است که پیوستگی اجتماعی ناشی از این تشابه‌ها را حفظ کند. حقوق کیفری از این نیرو در مقابل هر گونه ناتوانی حمایت می‌کند. بر این اساس یکی از ویژگی‌های ذاتی جوامع سنتی این است که هویت جمعی در مقایسه با هویت فردی افراد از قدرت، صلابت و درجه تعیین‌کنندگی بالاتری برخوردار است. هویت جمعی برای اینکه قدرت و اختیار کافی برای رویارویی با مشکلات و تداوم زندگی و حیات اجتماع متبوع خود را به دست آورد، از طریق ایجاد محدودیت و کاهش اقتدار و درجه استقلال فردی شهروندان وارد عمل می‌شود.

به قول دورکیم، هویت جمعی در جوامع ابتدایی در جهت عکس هویت فردی حرکت کرده و هر گونه افزایش اقتدار و قدرت آن با کاهش قلمرو و اقتدار وجدان‌های فردی میسر می‌گردد. در چنین جوامعی حقوق کیفری یکی از ابزارهایی است که ضامن تداوم قدرت و صلابت هویت جمعی بوده، بخش عمده‌ای از رفتارهای افراد را در بر می‌گیرد تا به آنجا که دورکیم یکی از خصلت‌های همبستگی اجتماعی مکانیکی و یکی از خصوصیات جوامع ابتدایی را گسترش حقوق کیفری می‌داند.

امروزه نیز به نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین اهدافی که حقوق کیفری به ویژه در جوامعی مانند ایران دنبال می‌نماید، ایجاد همبستگی و هم‌نوایی از طریق جرم‌انگاری برخی رفتارها به ویژه در حوزه آزادیهای فردی و اجتماعی و خصوصا در حوزه فرهنگ است.

با توجه به رویکرد جامعه‌شناسانه دورکیم جرم دانستن برخی اعمال به ترسیم قالب‌ها و مناطق ممنوعه رفتاری پرداخته و حاوی این پیام‌اند که وجدان جمعی جامعه هر گونه عدول از این مناطق ممنوع و هنجارهای رفتاری را ناپسند می‌شمارد. اما به نظر می‌رسد ارسال رسمی این پیام با توجه به ویژگی قهر آمیز حقوق کیفری باید تابع اصول و قواعدی محکم و قابل توجیه باشد (قهرمانی، ۱۳۹۲: ۱۲۳-۱۲۴) و در نهایت می‌توان گفت زمانی که حکومت با توجه به وجدان عمومی جامعه، از طریق جرم دانستن برخی رفتارها به پشتیبانی از همبستگی اجتماعی و ارزش‌های واحد و پذیرفته شده بر می‌خیزد، کارش تا حدودی عادی و طبق اصول است. مشکل زمانی بروز می‌کند که حکومتی بخواهد از طریق توسل به حقوق کیفری، در صدد ایجاد همبستگی و هم‌نوایی مورد پذیرش خود بر آید. به نظر می‌رسد رسیدن به چنین هدفی هر چند مطلوب در سایه ابزاری همانند قانون با تردیدهای جدی مواجه است، همبستگی گروهی با تقویت ابزارهای درونی همچون اخلاق و وجدان عمومی بهتر قابل تحقق است. بی تردید دستگاه عدالت کیفری، ظرفیت محدودی در مبارزه با بزهکاری دارد و واگذاری مسئولیت کنترل اجتماعی به آن از رهگذر جرم‌انگاری باید به عنوان آخرین راه حل، آن هم با رعایت محدودیت‌های نظری و فلسفی و عملی و جرم‌شناسی راجع به جرم‌انگاری یک عمل صورت پذیرد.

۲- نقش جرم‌شناسی در پیشگیری از وقوع جرم در عرفان‌ها

واژه پیشگیری در لغت به معنی جلوگیری کردن، مانع شدن و همچنین به معنای اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از رخدادهای ناخواسته مطرح شده است. پیشگیری یکی از سیاست‌ها و اقدامات اساسی در حوزه کنترل اجتماعی است. این سیاست به کلیه اقدامات و راهکارهای مستقیم و غیر مستقیم بازدارنده از وقوع جرم و انحراف و آسیب‌های اجتماعی معطوف می‌باشد و از این جهت یک سیاست پیشینی است که در برابر انواع مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی که سیاست پسینی است، قرار می‌گیرد. پیشگیری در مقام سیاست پیشینی، نسبت به سیاست پسینی یا پیشگیری کیفری که مدتا بر مجازات، آن هم از انواع شدید آن استفاده می‌کند، کارآمدتر، موثرتر و دارای اثر بخشی بالا و همچنین از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به صرفه‌تر است. علیرغم این اهمیت و تاثیر ویژه پیشگیری در کاهش نرخ جرم و آسیب‌های اجتماعی و بازدارندگی آن، در عمل توفیق چندانی حاصل نشده است.

مجموعه تدابیر و اقدام‌های کنش، واکنش پلیس که با حمایت از افراد در معرض خطر، افزایش آگاهی‌های عمومی، نظارت بر اماکن عمومی، افزایش هزینه‌های جرم و مداخله پس از وقوع جرم، درصد پیشگیری از ارتکاب مجدد همان جرم است، پیشگیری انتظامی نامیده می‌شود (علی‌وردی نیا، ۱۳۹۳: ۳۷). برای تعریف علمی، با توجه به نگرش‌های گوناگونی که در میان جرم‌شناسان وجود دارد، پیشگیری از بزهکاری را می‌توان به دو صورت عام و خاص تعریف کرد.

بنابراین برای بیان مسأله، به وظایف قوای سه گانه در این زمینه اشاره می‌شود. الف: قوه مجریه

ایجاد محیطی مناسب برای رشد فضایل اخلاقی، بالا بردن سطح آگاهی عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت، نمونه‌هایی از اصل سوم و بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که به واقع تحقق آنها نمونه‌هایی از آرمان شهر مدینه فاضله می‌نماید. به گونه‌ای که زمینه بسیاری از جرایم را می‌خشکاند.

ب: قوه قانونگذاری قوه مقننه در این وادی بی نصیب نیست. با این توضیح که هرگاه تدوین قوانین اندیشمندانه و کارشناسانه صورت گیرد، باعث خواهد شد تا اجتماع و جامعه در دفاع و حمایت از آن برآمده و به عبارتی بسیج جامعه را به همراه خواهد داشت. بنابراین نحوه تدوین قوانین، لحاظ مطالعات جرم‌شناسانه، احترام به حقوق بشر و عدالت اجتماعی، پذیرش حقوق پیشگیری

در کنار حقوق جزا و توجه به رهیافت‌های علمی و کارشناسانه، جملگی در پیشگیری از وقوع جرم مؤثر و وظیفه قانونگذاران را مبرهن می‌سازد.

نهایتاً - قوه مقننه، با درک چارچوب جرم‌شناسی پیشگیرانه می‌تواند با استناد به اصل هفتاد و یک قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (در عموم مسائل در حدود مقرر ق.ا) وضع قانون نماید و یکی از عموم مسائل، تدبیر و تصمیم‌گیری در امور پیشگیری و تیپ‌های مختلف آن است.

ج: قوه قضائیه مطابق بند پنج اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از وظایف قوه قضائیه (اقدامات مناسب برای پیشگیری از جرم) بیان شده است. در رابطه با جرایمی که در فرقه‌ها رخ می‌دهد، قوه قضائیه کمیته‌هایی را برای بررسی جرم‌انگاری «عرفان‌های کاذب» تشکیل داده. هر چند این کمیته‌ها تشکیل شده‌اند اما خود قوه قضائیه هم در جرم دانستن فعالیت مدعیان عرفان و اعلام جرم علیه آنها مردد است و هنوز تصمیمی درباره تدوین لایحه آن باموضوع عرفان‌های کاذب و فرقه‌های انحرافی اتخاذ نشده است. به نظر می‌رسد شک دستگاه قضا در این مورد از اینجا نشأت می‌گیرد که شورای عالی انقلاب فرهنگی نتوانسته و یا مجال پیدا نکرده که مصوبه ۵۹۳ خود این شورا را پیگیری کند و برای دستگاه قضا تبیین کند. بر اساس مصوبه ۵۹۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی که در ۱۳۸۵/۸/۲۳ به تصویب رسید «دبیر خانه شورای فرهنگ عمومی موظف است از طریق هماهنگی با کلیه دستگاه‌های مربوطه نسبت به پیگیری راه کارهای جلوگیری از بروز و ظهور افراد تشکلی و انجمن‌های انحرافی با پوشش مسائل عرفانی و معنوی اهتمام نموده و گزارش عملکرد مراکز ذی ربط را سالانه به شورای عالی ارائه نماید.

آنچه مسلم می‌نماید آن است که با توجه به گستردگی پیشگیری در معنای علمی، انحصار قوه قضائیه به عنوان متصدی نمی‌تواند معقولانه باشد. لذا قوه قضائیه بایستی در این مجال برای جامعه سیاست‌گذاری و مدیریت نماید تا تحقق تیپ‌های پیشگیری ممکن و میسر گردد. از آنجایی که تأمین امنیت، یکی از مهمترین وظایف دولت‌ها به شمار می‌آید، بزهکاری از شاخص‌ترین پدیده‌هایی است که این امنیت را در معرض خطر قرار می‌دهد. به همین خاطر دولت‌ها به خاطر حفظ امنیت در صد جلوگیری و پیشگیری از وقوع جرم بر می‌آیند. این میان، سپردن این وظیفه صرفاً به دستگاه قضایی، چاره یابی از سوی معلول به علت است. به بیان دیگر، دیگر نهادها و سازمان‌ها اعم از دولتی و غیردولتی بایستی به این پدیده نگرشی ژرف داشته باشند و در کنار قوه قضائیه به اتخاذ تدابیر، برای پیشگیری از وقوع جرم بیندیشند (قهرمانی ۱۳۹۲: ۱۳۹-۱۴۰).

در مورد موضوع مهمی همچون افکار انحرافی و ترویج آنها در کنار جرایم پیش بینی شده، باید جرم‌انگاری با در نظر گرفتن موقعیت و جوانب این مساله به ویژه امکان سوء استفاده از این طرح یا لایحه برای سرکوبی آزادی، جرمی مستقل در نظر گرفته شود و در عین حال الزامات مراکز را برای مقابله با این موضوع به صورت کاربردی و دقیق احصا و مورد مطالعه قرار داد. می‌توان به عنوان نکته پایانی این موضوع را اضافه کرد که در بحث پیشگیری از وقوع جرم، آموزش، باید پیش از هر مقوله دیگری مورد توجه قرار گیرد و این آموزش باید از خانواده‌ها آغاز شود.

۳- اتکا به باورهای اعتقادی و دینی

الف: غالب فرقه‌ها و مکاتب گمراه با عرضه شخصیت‌های کاریزماتیک به اجتماع و بیان سخنان جذاب از سوی آنان توانسته‌اند مخاطبان بسیاری را به سمت خود جلب کنند. برای مقابله با این حرکت، علما و نخبگان جامعه نیز با انجام اقدامات مشابه می‌توانند شخصیت‌های عرفانی و دینی را که در تاریخ اسلام کم نیستند و برخی نیز در حال حاضر در جامعه اسلامی در حال فعالیت هستند، به مردم معرفی کنند.

ب: متأسفانه بسیاری از اعتقادات دینی سطحی است و بسیاری از دانسته‌ها اعتقاد عملی و باور قلبی نیست. لذا یکی از راه‌های ارتقای بنیه اعتقادی افراد تقویت و توسعه مراکز دینی در مناطق مختلف کشور است. هر جا که مراکز دینی فعال باشند و افکار و اعتقادات دینی را اشاعه دهند، راه نفوذ چنین عرفان‌هایی بسته خواهد شد. یکی از دلایلی که مردم جذب این گونه عرفان‌ها می‌شوند، پایین بودن سطح آگاهی نسبت به مسائل دینی است. اگر مراکز دینی به خوبی فعالیت کنند و بتوانند دین را آن گونه

که هست به مردم عرضه کنند، مردم کم تر جذب چنین گروه‌ها و مسلک‌های دروغین خواهند شد. علما و روحانیون با شناسایی مراکز فعال این مسلک‌ها و مقابله با آنان می‌توانند نقش بسزایی در خنثی کردن چنین تهدیداتی داشته باشند.

ج) آنچه باعث جذب برخی افراد به این عرفان‌ها می‌شود، حباب‌های رنگی است که در قالب جواهرات اصل عرضه می‌شود. آنچه در دین مبین اسلام اصل آن وجود دارد و به دلیل عدم تبیین صحیح آن و عدم عرضه به موقع زیبایی‌های حقیقی موجود در این دین مقدس، قول‌ها، رفتارها و وعده‌های کاذب موجود در این عرفان‌ها چنان زیبا جلوه می‌کنند که افراد ناآگاه را به سادگی به سمت خود می‌کشند (پسنیدیده ۱۳۹۴: ۹۳-۹۴).

۴- اقدامات امنیتی، انتظامی و قضایی

در روند تغییرات حاصل از فعالیت این فرقه‌ها، آنچه از همه بیشتر مورد ستیز و عناد قرار می‌گیرد، سنت و هنجارهای رایج و پذیرفته شده است. این آثار نخستین، هرگز متوقف در این مقدمات نگردیده و نهایتاً هویت‌های خرد و هنجارهای نوپدید در تعارض با هویت‌های کلان و هنجارهای مقبول، آن هویت خواهی را به عرصه‌های اجتماعی تحمیل می‌نمایند، که مورد طمع غرب و جریانات ضد اسلامی قرار می‌گیرد. این فرصت ساخته شده، به تدریج بر شکاف‌های دینی دامن زده و جایگاه دین را به عنوان ستون خیمه هویت و امنیت ملی در ایران، مخدوش می‌سازد و بستر وضعیتی را فراهم می‌سازد که حمایت سیاسی را جهت حفظ انتظام اجتماعی، به پذیرش حداقل‌های حکومت سکولار مجبور سازد (مظاهری سیف، ۱۳۸۹: ۲۴).

دستگاه‌های امنیتی و قضایی کشور با تمرکز بر تهدیدات امنیتی حاصل از گسترش عرفان‌های انحرافی نوظهور نسبت به مقابله با آنها اهتمام ورزند و با شناسایی اماکن، مراکز فعالیت، متولیان و مبلغان این فرقه‌ها و رصد کردن فعالیت‌های آنان نسبت به عملیات خنثی سازی آنها اقدام کنند. برخی از اهم اقدامات لازم توسط این دستگاه‌ها به شرح ذیل است:

الف) قوه قضاییه با ایجاد راهکارهای قانونی برای تعریف عناصر مادی، معنوی و قانونی به منظور جرم انگاری فعالیت، گسترش و عضوایی این جریان‌ها اقدام نماید.

ب) کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با توجه به تهدیدات امنیتی حاصل از این نوع فعالیت‌ها در ابعاد امنیت ملی، اجتماعی و اخلاقی درصدد تدوین قانون لازم برای مقابله برآید.

ج) وزارت اطلاعات نسبت به شناسایی و معرفی سردمداران ایجاد، اشاعه و توسعه‌ی این نوع عرفان‌ها اقدام نماید.

د) نیروی انتظامی در ابعاد ذیل برای مقابله با این جریان‌ها اقدام نماید:

۱- با برنامه‌ریزی دقیق و عملیاتی و با کمک وزارت اطلاعات سردمداران ایجاد و گسترش این عرفان‌ها شناسایی، دستگیر و تحویل دستگاه قضایی کشور شوند.

۲- از ساخت، توزیع و فروش علنی علائم و نشانه‌های شناخته شده فرقه‌ها جلوگیری شود. ۳- از تبلیغات و عضوگیری این فرقه‌ها در فضای مجازی جلوگیری شود.

۳- از استفاده علنی از مدل‌های لباس، مو، آرایش و علائم رایج فرقه‌ها ممانعت به عمل آید.

ه) در نهایت محاکمه سردمداران و سرکردگان اصلی این جریان‌ها و فرقه‌های نوظهور و انحرافی در دستور کار قرار گیرد (پسنیدیده، ۱۳۹۴: ۹۶).

۵- پای بندی به ارزش‌های اخلاقی

اگر باورهای دینی در وجود آدمی تقویت گردد می‌کوشد با عمل به شریعت و دستورالعمل‌های دین که اسلام برای رستگاری معین نموده، رفتار خود را بر اساس آموزه‌های شرع مقدس متحول نماید و از ضد ارزش‌های اخلاقی فاصله بگیرد. امروزه فرقه‌سازان بی‌هویت که برای نابودی ارزش‌های اخلاقی به میدان آمده‌اند، انسان را موجودی مادی و حیانی در نظر گرفته و با همه ابزار و توان و قدرت خود، برای از بین بردن بعد معنوی او تلاش می‌کنند. شرایط زندگی مادی و صنعتی بر این مسئله دامن زده و فاصله انسان را با ارزش‌های اخلاقی روز به روز کمتر می‌نماید.

تافلر در توصیف شرایط به وجود آمده می‌نویسد: «در سراسر کشورهای مرفه میزان خودکشی رو به افزایش گذاشته، افسردگی همه گیر شده و جنایت مد روز گردیده است و در ایالات متحده آمریکا اتاق‌های اورژانس بیمارستان‌ها مملو از معتادان به «هماری جوانا و...» می‌باشد. در رم تروست‌ها کمین کرده‌اند. در پاریس و لندن، دردی و وحشی‌گری رو به افزایش گذاشته شده است. در مترو و مدارس نیویورک خشونت غوغا می‌کند.

اگر پابندی به ارزش‌های اخلاقی صورت علمی به خود گیرد و در رفتارهای اجتماعی هم تاثیر گذار باشد، تحولی معنوی و عظیم در زندگی اجتماعی رخ خواهد داد. اوج گیری فضائل اخلاقی در جوامع، علاوه بر رستگاری اوخروی، زندگی دنیوی انسان‌ها را هم در امنیت کاملی قرار خواهد داد.

امام علی (ع) در حدیثی می‌فرماید: لوکنا لا ترجو جنه و لا تخشی ناراً و لا ثواباً و لا عقاباً لکان ینبغی لنا ان نطالب بمکارم الاخلاق فانها مما تدل علی سبیل النجاح .

اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ و انتظار ثواب و عقابی نمی‌داشتیم، شایسته بود به سراغ فضائل اخلاقی برویم چرا که آنها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند.

این حدیث مبین آن است که زندگی انسان‌ها اصولاً بدون فضائل اخلاقی سامان نخواهد یافت. امروزه نابهنجاری‌های که در بعضی از کشورها دیده می‌شود به جهت کنار زدن فضائل اخلاقی است. خوانخواری، آدم کشی، تجاوز به محارم، هم جنس بازی و بسیاری از ضد ارزش‌ها و رسماً و قانوناً در قالب‌های جذاب و شیطانی لحظه لحظه به بشر القا می‌شود، این القائات شیطانی، باعث فراموشی و غفلت آدمی از جایگاه خودش می‌شود. پرچمداران این ضد ارزش‌ها در جهان امروز، رهبران جنبش‌های نوظهور و فرقه‌های انحرافی هستند که با مدیریت پشت صحنه یهودی‌پها دست به قتل عام فرهنگی زده‌اند. این قتل عام فرهنگی تمام شهرها و کوچه‌ها را در بر گرفته است. ویلیانم گاردنر در باره زیر پا گذاشته شدن اصول اخلاقی و ارزش‌ها توسط یکی از این فرقه‌ها در غرب می‌نویسد: «هفتاد در صد ماموران تحقیق «آنتاریو» با جوانان خلافکاری که دارای علایق شدید شیطان پرستی هستند برخورد کرده‌اند.

رابرت تاگر اظهار کرده است که این موارد(خلافکاری) در تمام آمریکا و کانادا در حال افزایش است و او می‌گوید: در فلسفه شیطان پرستان، قتل، خودکشی، مثله کردن و تجاوز تقدیس می‌شود. گروه‌های موسیقی آشکارا دعوت به قتل و خوردن خون می‌کنند. جمیز تویبین جوان ۱۸ ساله‌ای که یک پرستار را کشت، شیطان پرست بود. سه پسر چهارده ساله‌ای که در کانادا به دار آویخته شدند، شیطان پرست بودند. (نگارش، ۱۳۸۹: ۷۹-۸۰).

نتیجه گیری

عرفان‌های نوپدید، عرفان‌های تازه تأسیسی هستند که هیچ‌گونه ریشه و صبغهی دینی ندارند و حاصل تفکرات واهی و کاذب‌اند، به همین دلیل عرفان‌های کاذب خوانده می‌شوند. هجوم مردم به معنویت و کاستی‌های ادیان سنتی و کلیساها و نبود مباحث معنوی ناب و امروزی، زمینه مطرح شدن معنویت‌های نوین را فراهم نموده است. علت اصلی پیدایش این عرفان‌ها را می‌توان در یک نکته مهم دانست و آن این است که مردم در عصر حاضر وقت کمتری برای بالا بردن سطح معلومات دینی خود صرف می‌کنند و این خلأ از معلومات مورد نیاز دینی، باعث شده که زمینه برای سوء استفاده دیگران فراهم شود. این عرفان‌ها، مدعی رفع کردن نیازهای انسان امروزی هستند و هر کدام با توجه به یکی از ابعاد انسان و یا نیاز او، دستورالعمل‌هایی داده و از مخاطبان خود عمل به آنها را می‌خواهند. پدیده «عرفان‌های نوظهور» یا «جنبش‌های نوپدید دینی» بیش از دو دهه است که وارد کشور شده و امروزه به عنوان یک مسأله اجتماعی دل‌مشغولی‌هایی را متوجه کارشناسان این عرصه کرده است. این جریان‌های انحرافی با شیوه‌های تبلیغی خود به شکل پیدا و پنهان مشغول فعالیت و جذب افراد هستند. هرچند مبانی و ماهیت عرفان‌های نوظهور، نظری است؛ اما پیامدها و آسیب‌هایی که از مجموع این عرفان‌ها در طول تقریباً دو دهه در ایران بر روی مردم و خصوصاً نسل جوان بر جای گذاشته ابعاد مختلفی به خود گرفته است و منحصر در آسیب‌های اعتقادی و فرهنگی نیست. علل گرایش به این عرفان‌ها در کشور ما بسیار است. بر اساس مطالعات انجام شده علل عمده گرایش به این نوع عرفان‌ها عوامل مختلفی من جمله نفوذ و اندیشه‌های انحرافی و ضد دینی، ریشه‌های اعتقادی، ریشه‌های فرهنگی، عوامل فردی(شخصی سازی دین، ترویج موسیقی غربی، پوچ گرایی

و مخالفت و اعتراض به نظم موجود می‌باشد. امروزه مقابله با عقاید و تبلیغات این فرقه‌ها و عرفان‌های نوپدید امری مهم جلوه می‌کند و لازم است قانونگذار در این خصوص گام مهمی بردارد. تهدیدی که از ناحیه فرقه‌ها متوجه جامعه می‌شود، تهدیدی فراگیر است که ابعاد تأثیرگذار و گسترده‌ای دارد و نگرانی‌های فزاینده‌ای درباره تباہ شدن زندگی طیفی از افراد جامعه از ناحیه فعالیت‌های گسترده فرقه‌ها وجود دارد. آثار و پیامدهای رفتار فرقه‌ها در ساحت مختلف حیات اجتماعی و در جای جای جامعه و دستگاه‌های اجرایی، خود را نشان می‌دهد. فرقه‌گرایی با خصیصه‌های انحصاری همچون تمامیت‌گرا بودن، ریاضت‌جویی، تعصب، بنیادگرا بودن، جدایی از اجتماع کلی و غیره به انواع تضادهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دامن زده و با خرد کردن هویت‌ها، مانع از شکل‌گیری یک هویت جمعی و حس تعلق به فضای ملی خواهد شد. در ایران در طی سال‌های اخیر و به خصوص در دهه ۱۳۹۰ عرفان‌های نوظهور رشد بسیار زیادی داشته‌اند. با توجه به اهمیت عرفان‌های نوظهور در زندگی اجتماعی، دینی، فرهنگی و... حقوق کیفری ایران توجه ویژه‌ای در جهت مقابله با عرفان‌های نوین نداشته است. در سال ۱۳۹۲ در جهت جرم‌انگاری فعالیت عرفان‌های نوظهور طرحی به مجلس ارسال شد که با گذشت نزدیک به نه سال کماکان مسکوت مانده است.

مصادیق عرفان‌های نوپدید مسائل مختلفی است. یکی از آنها توهین به مقدسات می‌باشد. عنصر قانونی جرم توهین در قوانین جاری عبارت است از مواد ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی تحت عنوان توهین به مقدسات و... ماده ۵۱۴ توهین به بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی و... ماده ۶۰۸ توهین به اشخاص حقیقی، ماده ۶۰۹ توهین به روسای قوای سه‌گانه و سایر مقامات و... ماده ۷۰۰ تحت عنوان هجو افراد و ماده ۲۶ قانون مطبوعات، تحت عنوان توهین به دین مبین اسلام و مقدسات توسط مطبوعات، ماده ۶۱۹ تحت عنوان توهین به زنان و اطفال. همچنین مواد ۴۸ و ۴۹ قانون جرایم نیروهای مسلح را نیز می‌توان نام برد که قانونگذار به جرم‌انگاری و مقابله با آنها پرداخته و برای مرتکبین مجازات‌های مختلف در نظر گرفته است. مصداق دیگر جرم‌انگاری در قالب مفسد فی الارض بودن می‌باشد که در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مواردی به عنوان مفسد فی الارض آمده است. اما باید گفت، ممکن است فعالیت یک یا چند عرفان یا فرقه نوظهور که در پوشش دین و مذهب در حال فعالیت است، فراگیر و گسترده بشود، ولی به ظاهر نتایج زیان‌بار مشروط در همین ماده به فعلیت نرسیده باشد و مدت‌های طولانی نیز فعالیت آنها ادامه داشته باشد و به دلیل همین تقیید، در چنین وضعیتی به نظر می‌رسد توسل به ماده مذکور برای مقابله با عرفان‌های نوظهور مؤثر و کارساز نباشد.

اما یافته‌ها نشان داد فعالیت عرفان‌های نوظهور در قوانین جزایی ایران جرم‌انگاری نشده است و اقدامات مقابله‌ای مراجع قضایی و ضابطان دادگستری به دلیل عدم وجود پشتوانه قانونی، به نتیجه مطلوبی نمی‌رسد. عرفان‌های نوظهور به عنوان یک پدیده اجتماعی، تأثیرات منفی و پیامدهای سوء امنیتی بر جامعه وارد کرده است، به نحوی که امنیت که به عنوان یکی از عوامل زیربنایی و اصلی پایداری جامعه محسوب می‌شود، به دلیل فعالیت و گرایش جوانان به این گونه عرفان‌ها تحت تأثیر قرار گرفته است. عدم جرم‌انگاری و وجود خلأ تقنینی، یکی از موانع و چالش‌های مقابله با فعالیت عرفان‌های نوظهور و از عوامل اصلی رشد قارچ گونه آن در ایران محسوب می‌شود و لازم است طرح مقابله با گروه‌های انحرافی که بیش از نه سال است در مجلس شورای اسلامی مسکوت مانده است، تصویب و اجرایی شود. برای مقابله با عرفان‌های کاذب در کشور، خلأ قانونی وجود دارد؛ برخی با شناخت این خلأها، فعالیت‌های غیرقانونی و تبلیغی در این حوزه دارند. گردانندگان جریان‌های انحرافی و مذاهب نوظهور از خلأهای قانونی موجود آگاه هستند و با سوء استفاده از آن تلاش می‌کنند به اهداف خود دست پیدا کنند.

پیشنهادها

- در راستای یافته‌های، تحقیق پیشنهادهایی جهت اقدام مؤثر مقابله‌ای با گسترش فعالیت عرفان‌های نوظهور ارائه می‌شود.
- طرح مقابله با گروه‌های انحرافی که بیش از شش سال است در مجلس شورای اسلامی مسکوت مانده است تصویب و اجرایی شود.
- با اقدامات کارشناسی و با توجه به تنوع عرفان‌های نوظهور جرم‌انگاری آنها محدود به چند نام و عنوان نباشد و طوری جرم‌انگاری شود که مقابله با تمامی عرفان‌های نوظهور را شامل شود.

- با توجه به ماهیت فعالیت عرفانهای نوظهور یکی از اقدامات مؤثر برای مقابله با آنها بهره گیری از سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه و به خصوص استفاده از سازمانهای مردم نهاد است.
- برگزاری مستمر کلاسهای آگاه سازی در خصوص عرفانهای نوظهور و آشنایی عموم مردم با ماهیت واقعی آنها از راهکارهای پیشگیرانه می تواند باشد.
- ارائه آموزشهای لازم در خصوص عرفانهای نوظهور به ضابطان دادگستری و قضات ویژه رسیدگی کننده به پروندههای عرفانهای نوظهور از دیگر اقدامات لازم و اساسی در جهت مقابله با فعالیت عرفانهای نوظهور است.

منابع و مراجع

- [۱] اشو، جینش (۱۳۸۲). عشق پرنده‌ای آزاد و رها، مترجم مسیحا برزگر، تهران، انتشارات داریوش.
- [۲] اوشو، راجینش (۱۳۸۰). مراقبه، هنر وجد و سرور، مترجم فرامرز جواهری نیا، تهران، انتشارات فردوس.
- [۳] اوشو، راجینش (۱۳۸۲). الماس‌های اوشو، مترجم مرجان فرجی، تهران، انتشارات فردوس.
- [۴] بیرو، آلن (۱۳۸۰). رهنگ علوم اجتماعی، مترجم باقر ساخوانی، تهران، انتشارات مؤسسه کیهان.
- [۵] افتخاری، اصغر (۱۳۸۳). اقلیت‌گرایی دینی، تهران، انتشارات تمدن ایران.
- [۶] جان، وایت (۱۳۸۲). روش‌های جنگ روانی، مترجم فرهاد کاظمی، تهران، انتشارات جم.
- [۷] حاجی آقازاده، وحید (۱۴۰۰). آشنایی با عرفان‌های نوظهور: درسواره انتقادی، قم، انتشارات مؤسسه آموزش عالی حوزوی خاتم النبیین.
- [۸] جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸). عرفان اسلامی، تهران، نشر مؤسسه و تدوین آثار علامه جعفری.
- [۹] ریاحی، محمد اسماعیل (۱۳۹۲). مطالعات معنوی، قم، انتشارات پژوهشکده باقر العلوم.
- [۱۰] خدابنده، عبدالله (۱۳۸۲). شناخت فرقه‌های اهل حق، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- [۱۱] گریوانی، مسلم (۱۳۹۶). عرفان واره‌ها، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- [۱۲] کافی، محمد هادی (۱۳۹۰). قبیله حیل، تهران، نشرات علییون.
- [۱۳] شایگان، داریوش (۱۳۶۷). ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- [۱۴] شرف‌خانی، احمد (۱۳۸۰). انسان، غنا، موسیقی، تهران، انتشارات مشهور.
- [۱۵] صادقی، میرمحمد (۱۳۹۵). جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران، انتشارات میزان.
- [۱۶] شاکر نژاد، احمد (۱۳۹۷). معنویت‌گرایی جدید، قم، نشر علوم و فرهنگ اسلامی.
- [۱۷] جیحون آبادی، نعمت‌اله (۱۳۷۳). حق الحقایق، تهران، انتشارات جیحون.
- [۱۸] چشمه‌نور، مرتضی، و پویانی، جابر (۱۳۹۳). در قلمرو تاریکی، تهران، انتشارات صیاد شیرازی.
- [۱۹] سیدین، علی (۱۳۸۷). پشمینه پوشان، تهران، انتشارات نی.
- [۲۰] مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷). اخوان الشیطان و رد پای فرنگیان در عرفان، مجله فرهنگ پویا، شماره ۶.
- [۲۱] کویلیلو، پایلو (۱۳۸۴). کیمیاگر، مترجم، آرش حجازی، تهران، انتشارات کاروان.
- [۲۲] کلارکسون، کریستوفر (۱۳۷۱). تحلیل مبانی حقوق جزا، مترجم، حسین میر محمد صادقی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
- [۲۳] مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). بحارالانوار، بیروت، مؤسسه‌الوفاء.
- [۲۴] مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷). درجست وجوی عرفان اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- [۲۵] مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۹). جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.
- [۲۶] سرمستانی، جمشید (۱۳۹۰). جستارهایی درباره عرفان‌های نوظهور و انحرافی، تهران، انتشارات پاد اندیشه.
- [۲۷] موحدیان، عطار علی (۱۳۸۸). مفهوم عرفان، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- [۲۸] نگارش، حمید (۱۳۸۸). کژراهه شیطان پرستی، تهران، انتشارات زمزم هدایت.
- [۲۹] نوربها، رضا (۱۳۷۹). زمینه حقوق جزای عمومی، جلد ۴ تهران، انتشارات دادآفرین.
- [۳۰] هرولد بلوم، فیلد (۱۳۷۷). تی.ام، دانش هوشیاری خلاق، مترجم، بهزاد، فرخ سیف، تهران، انتشارات اوحدی.
- [۳۱] هویت، جیمز (۱۳۷۶). ریلکسیشن، مترجم، رضا جمالیان، تهران، انتشارات دکلمه‌گران.
- [۳۲] شعبانی ساروی، رمضان (۱۳۸۸۷). جریان‌شناسی، تهران، انتشارات فرهنگیان.
- [۳۳] داداشی آذر، رسول (۱۳۹۱). آشنایی با فرق و ادیان، تهران، اداره کل آموزش و پرورش سازمان حراست کل کشور.
- [۳۴] چاترجی، ساتیش؛ چاندر، دربندراموهان داتا (۱۳۸۴). معرفی مکتب‌های فلسفی هند، مترجم فرناز ناظرزاده کرمانی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- [۳۵] خمینی، حسن (۱۳۹۰). فرهنگ جامعه فرق اسلامی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- [۳۶] یعقوبیان، محمد حسن (۱۳۹۵). رنسانس قدسی: نقد و بررسی عرفان‌های نوظهور و جنبش‌های نوین دینی در جهان معاصر. تهران، انتشارات وثوق.

- [۳۷] بحرینی دشتی، احمد (۱۳۸۵). آسیب‌های اجتماعی و درمان آن، قم، انتشارات موعود در اسلام.
- [۳۸] روحانی، کمال (۱۳۸۵). تاریخ تصوف در کردستان، تهران، انتشارات سامرند.
- [۳۹] کانون اندیشه جوان (۱۳۹۲). پرواز: عرفان‌های نوپدید، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان.
- [۴۰] ملتون، ملکم (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی دین، مترجم، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات ثالث.
- [۴۱] تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۱). بازشناسی تحلیلی نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات علم.
- [۴۲] ملتون، گوردون (۱۳۸۵). ادیان جایگزین نوین در مغرب زمین، مترجم عبدالرحیم گواهی، قم، انتشارات بوستان کتاب.
- [۴۳] شریفی، احمد حسین و درگاهی فر، رضا (۱۳۹۰). عرفان‌های دروغین، تهران، انتشارات جمهوری.
- [۴۴] پسنده، مریم (۱۳۹۳). بررسی علل گرایش به عرفان‌های نوظهور در ایران و پیامدهای امنیتی ناشی از آن، مقاله پژوهش‌های حفاظتی امنیتی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، شماره ۱.
- [۴۵] پورسعید، فرزاد (۱۳۸۶). گوناگونی و انسجام ملی در جامعه ایرانی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۳۵.
- [۴۶] تاجی اشکفتکی، محمدرضا و همکاران (۱۴۰۱). پیامدهای آسیب‌های فرهنگی-اجتماعی جریان‌های نوپدید و راهبردهای فرهنگ مدیریت آن، مطالعه موردی عرفان حلقه، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهاردهم/شماره دوم.
- [۴۷] تقوی، سیدحسین (۱۴۰۱). نگاهی تطبیقی و مقارنه‌ای به عرفان اسلامی و عرفان‌های نوظهور، نشریه پژوهش‌های اعتقادی کلامی، شماره ۴۵.
- [۴۸] جانکی، فیروزه و روستایی، مهر انگیز (۱۳۹۲). توجیه مداخله‌ی کیفری؛ اصول و ضرورتها، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره سوم.
- [۴۹] حسینی، سید علی (۱۳۹۱). عرفان‌های نوظهور؛ مبانی و اهداف پیش رو، نشریه سفیر نور، شماره ۲۱.
- [۵۰] خان پیری، سجاد و احدی، فاطمه (۱۳۹۸). انسداد حقوق کیفری در قبال فعالیت عرفانهای نوظهور و چالش‌های فراروی ضابطان دادگستری، نشریه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، شماره ۳.
- [۵۱] مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۷). مروری بر عوامل ویژگی‌های معنویت‌های نوظهور، مجله معارف، شماره ۶۷.
- [۵۲] سعادت، مریم (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی شیطان پرستی، مقاله اجتماعی عرصه، شماره ۱.
- [۵۳] وب سایت‌های اینترنتی تبلیغی فرقه‌هایی با منشأ هندی مقاله علوم خبری، شماره ۲۵.
- [۵۴] سید علی اصغر، میر خلیلی (۱۳۹۷). خطرات ناشی از ظهور جنبش‌های نوپدید دینی، مقاله علمی - پژوهشی، شماره ۱.
- [۵۵] شکری حیدری، غلامعلی و رئیسی سرتشنیزی، عباس (۱۳۹۳). بررسی جرم شناختی گرایش به شیطان پرستی و ارتکاب جرم مطالعه موردی شهرستان شهرکرد، نشریه دانش انتظامی چهارمحال و بختیاری، شماره ۷.
- [۵۶] توحید نیا، فرشاد (۱۴۰۱). آسیب‌های نظام سلطه از ناحیه عرفان‌های نوظهور بر جامعه ایران اسلامی، مجموعه مقالات عرفان و جنبش‌های معنوی.
- [۵۷] شکاری، عزیزو عبدی، توحید (۱۳۹۵). بررسی پیامدهای امنیتی گرایش جوانان به عرفان‌های کاذب نوظهور، مقاله دانش انتظامی قم، شماره ۹.
- [۵۸] کیانی، محمد حسین (۱۳۸۸). مولفه‌های معنویت نوپدید در ایران، فلسفه و کلام، نشریه کتاب نقد، شماره ۵۰.
- [۵۹] محمودزاده، مریم (۱۳۸۹). عرفان‌های کاذب و انحراف جوانان، در روزنامه رسالت ۱۳۸۹/۷/۴.
- [۶۰] مصلحی، حیدر (۱۳۹۰). فرقه‌های نوظهور و عرفان‌های کاذب مهم‌ترین آسیب‌های نظام هستند، سخنرانی در گردهمایی استادان و نخبگان حوزوی در سالن اجتماعات مدرسه فیضیه. وبلاگ اینترنتی خبرگزاری مهر. کد خبر: ۴۶۸۳۲۹.
- [۶۱] محرابی، جواد (۱۳۸۹). مسئولان خطر انفولانزای اعتقادی را جدی نمی‌گیرند؛ ضرورت مقابله با عرفان‌های کاذب گفتگوی رئیس مؤسسه ادیان و فرق با خبرگزاری فارس.